

## بررسی ساختاری حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

علی ارمغان

دکتر زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

دکتر علیرضا فولادی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

دکتر رضا شجری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

دکتر مریم جلالی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

۳۵ حسامیزی یکی از راه‌های تصویرآفرینی در متون ادبی است که با آمیختن حواس با یکدیگر  
پدید می‌آید و مخیل ساختن زبان و گسترش امکانات زبانی را هدف قرار می‌دهد. این شگرد  
به دلیل وجود ذهنیت حس‌آمیزی در کودکان و نوجوانان با شعر این مخاطبان تناسب بیشتری  
دارد و نیاز کودکان به امکانات و شیوه‌هایی را برای رشد زبان و ذهن، اهمیت استفاده از این  
گونه تصویرسازیهای زبانی بیشتر می‌کند؛ از این‌رو شاعران کودک و نوجوان با آگاهی از  
اهمیت این موضوع در شعرهای خود به تناسب از این شگرد بهره برده‌اند. این مقاله به بررسی  
ساختارهای زبانی، بلاغی و معنایی حسامیزی در شعر سیزده شاعر کودک و نوجوان معاصر  
می‌پردازد. روش این پژوهش، توصیفی و آماری است. بر اساس دستاوردهای مقاله، بسامد  
کاربرد حسامیزی و تنوع آن در شعر کودک و نوجوان زیاد است تا جایی که بیشتر شاعران  
مورد بررسی به تفاریق از همه امکانات این شگرد در شعرشان سود جسته و حتی مفاهیم  
انتزاعی را با امور حسی آمیخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شعر کودک و نوجوان، حسامیزی، حواس پنجگانه، تصویر، مفاهیم انتزاعی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۷

### مقدمه

شعر به معنای عام یا حاصل تجربه حسی شاعر است و دریافت‌کننده این تجربه، حواس پنجگانه اوست یا تجربه ای روحانی است که از طریق روح شاعر ادراک می‌شود. انتقال این تجربه به مخاطب بزرگسال شاید کار دشواری نباشد؛ ولی زمانی که مخاطب، کودک یا نوجوان است، حتما دشوار خواهد بود و زبان دیگری می‌طلبد؛ خیال‌انگیزتر از زبان شعر بزرگسالان زیرا قسمت عمده زندگی کودک و نوجوان در خیال می‌گذرد.

حسامیزی اصطلاحی است که نخستین بار توسط دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی برابر مفهومی که ناقدان اروپایی آن را synaesthesia نام می‌نهند، پیشنهاد شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۷۱) و آن توسعاتی است که در زبان از رهگذر آمیختن دو حس با هم ایجاد می‌گردد (همان، ۱۳۸۱: ۱۵) و در واقع تلاشی است که از سوی ادیبان به منظور مخیل ساختن زبان و ایجاد تصاویر و گسترش امکانات زبانی صورت می‌گیرد. حسامیزی در ادب فارسی سابقه دیرینه‌ای دارد و می‌توان گفت در تمام ادوار نمونه‌های آن بوده است با این تفاوت که کاربرد آن آگاهانه و رایج نبوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۴۹). نمونه‌هایی از حسامیزی در قدیمترین اشعار فارسی به این قرار است:

ار انگبین لبی سخن تلخ مر چراست  
 وریاسمین بری تو به دل چون که آهنی  
 در بیتی از ابیات پراکنده آفرین‌نامه ابوشکور بلخی می‌خوانیم:  
 به دشمن برت استواری مباد که دشمن درختی‌ست تلخ از نهاد  
 (همان: ۱۰۸)

در شاهنامه، ضمن داستان فریدون آمده است:

سوی خانه رفتند با ناز و شرم  
 پر از رنگ، رخ، لب پر آوای نرم

(فردوسی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۰۱)

آنچه گسترش این‌گونه تصاویرسازیه‌های زبانی را در شعر کودک و نوجوان اهمیت می‌دهد، همان رشد و گسترش زبان و آموختن مهارت گفتار و خلاقیت به آنان است. برای کودکان، که غالبا ذهن مقایسه‌گرایی دارند به نظر می‌رسد حسامیزی آسانتر به دست می‌آید. وقتی تقریبا همه کودکان در سن حدود چهارسالگی به طور نظام‌مند،

استثنائات قواعد را به عنوان قسمتی از رشد زبانی خود نادیده می‌گیرند و هنگامی که قاعده زبانی را فرا گرفتند، آن قاعده را هر جایی که امکان دارد، حتی اگر نادرست باشد به کار می‌برند (فاستر کوهن، ۱۳۸۹: ۹۷)؛ به عنوان مثال افعال را به صورت قیاسی می‌سازند و در قیاس با خوابانیدن، فعلهای کشتانیدن و مردانیدن را به کار می‌برند و همچنین وقتی خردسالان سه‌ساله با بازسازی اجزای واژه‌هایی که از بزرگسالان شنیده‌اند برای ساختن واژه‌های جدید یا با ارائه تفسیرهای جدید برای واژه‌های موجود به خلق واژه می‌پردازند؛ مثلاً با شنیدن ترکیب « هوایمای باری»، ترکیب « هوایمای مسافر باری» را می‌سازند (همان: ۹۴) یا وقتی می‌شنویم کودکی در سال اول تحصیل در قیاس با «نان»، که قبلاً آن را «نون» می‌خواند و اکنون باید نان بخواند، مصوت‌های بلند «واو» در واژگان دیگر را به «الف» تبدیل می‌کند و برای نمونه به «توپ»، «تاپ» می‌گوید، البته دور از ذهن نخواهد بود که در مقام قیاس با «بوی گل»، «بوی شعر» را هم بسازد و مانند آن کودک شاعر، بگوید:

بابا را دوست دارم / چون بوی شعر می‌دهد / دنیا را دوست ندارم / اگر توی خیابان  
گدا نبود / اگر توی پارکها پیر نبود / دنیا هم بوی شعر می‌داد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰) یا همین  
کودک در ترکیب حس‌آمیزانه دیگری بگوید:

صدای پدرم آبی ست / انگار فرشته است که / از آسمان آمده است (همان: ۲۴)

و کودک پنج‌ساله دیگری در جایی دیگر در گفتگو با خواهر نوزادش بگوید: چه  
دختر شیرین و قشنگیه! گریه نکن عزیزم، دختر عسلم، گریه نکن شیرینکم. (فاستر  
کوهن، ۱۳۸۹: ۸۷) البته این موارد، حاصل تقلید از زبان بزرگسالان و همچنین تعمیم یک  
قاعده زبانی به مواردی غیر مرتبط است که به شاعرانه شدن زبان منجر شده است. به  
گفته زبانشناسان: رشد زبان تا حد زیادی تحت تأثیر زبانی است که در اطراف خردسال  
به کار می‌رود. (همان: ۱۱۷) زبان شعر و ادبیات نیز می‌تواند به این رشد کمک کند و در  
گسترش و تسریع آن سهیم باشد.

طبق تقسیم‌بندی ژان پیاژه در مراحل رشد شناختی، کودک چهار دوره را پشت سر  
می‌گذارد که دومین آنها، مرحله پیش‌عملیاتی نام گرفته است. این دوره، خود به دو  
مرحله تقسیم می‌شود: دوره پیش‌مفهومی<sup>۱</sup> (از ۲ تا ۴ سالگی) و دوره تفکر ادراکی یا  
شهودی (از ۴ تا ۷ سالگی). در دوره پیش‌مفهومی، کودک شروع به استفاده از زبان و

تصاویر ذهنی می‌کند و می‌کوشد راه‌های غیرمنطقی را تعمیم دهد. در مرحله تفکر شهودی «مسئله حل کردن» به تفکر شهودی پدیداری (اشیا) بستگی دارد و به داوری و استدلال نمی‌پردازد. پیاژه این نوع تفکر در کودکان را استدلال تمثیلی<sup>۲</sup> می‌نامد (جی، سینگر و آ، رونسون، ۱۳۷۶: ۵۶). همچنین در این دوره، کودک، زبان را که از دیگران فرا گرفته است، با توجه به ساخت ذهنی خود به کار می‌برد و تخیل یا تصاویر درونی، که فرد از چیزهای غائب ایجاد می‌کند و خیالها و توهمهای کودک در این دوره شکل می‌گیرد (سیف و دیگران، ۱۳۷۳: ۹۲).

جی، سینگر و آ، رونسون در کتاب خود نمونه‌ای از گزارشهای پیاژه را آورده‌اند که می‌تواند نشانی از تمایلات حس‌آمیزانه کودکان باشد. آنان می‌گویند: پیاژه صحبت خود را با دخترش، زمانی که مریض است و پرتقال می‌خواهد، گزارش می‌کند. پیاژه می‌گوید پرتقالها هنوز سبز و نرسیده‌اند. بعدا، وقتی ژاکلین چای بابونه می‌نوشد، می‌گوید بابونه سبز نیست. بابونه همین الان زرد است... به من پرتقال بده! این دو پژوهشگر، این نوع تفکر کودک را تفکر التقاطی (همتاب<sup>۳</sup>) می‌خوانند (جی، سینگر و آ، رونسون، ۱۳۷۶: ۵۶). این استدلال کودکان برای خود آنها معنی‌دار است. آنها اطلاعات مربوط به دو چیز را همزمان به یکدیگر ربط می‌دهند و بنابراین می‌توانند ویژگیهای حواس پنجگانه را نیز همزمان به هم ربط دهند و تصاویری از حس‌آمیزی بسازند.

از میان حواس انسان، فعالترین حس، بینایی است و مهمترین عنصر ادراکات این حس نیز رنگ است؛ از این رو در ادب فارسی همانند دیگر زبانها، عنصر رنگ در معنای اصلی یا استعاره خود بسامد زیادی دارد (انوشه، ۱۳۶۷: ۶۸۷). در پژوهشی که در مورد یک‌صد مجموعه شعر از دوازده شاعر کودک و نوجوان ایرانی انجام شده نیز بسامد حس‌آمیزی با بهره‌گیری از حس بینایی نسبت به حواس دیگر بیشتر بوده است (شریف نسب، ۱۳۸۱: ۸۱). باید دید در این پژوهش نیز این مسئله صدق می‌کند یا نه و اگر نه، در کتابهای بررسی شده، کدام حس، فعالتر است.

در هر صورت با توجه به آگاهی شاعران کودک و نوجوان ما از اهمیت ایگانه تصویرسازیهای زبانی در اشعار آنان فراوان با حس‌آمیزی روبه‌رو می‌شویم و این نکته راهنمای ما بوده است تا کم و کیف آن را بسنجیم. این مقاله به این سنجش در اشعار سیزده شاعر کودک و نوجوان با نامهای جبار باغچه‌بان (۴ کتاب)، عباس یمینی شریف

(۴ کتاب)، پروین دولت‌آبادی (۲ کتاب)، محمود کیانوش (۵ کتاب)، مصطفی رحماندوست (۶ کتاب)، جعفر ابراهیمی (۶ کتاب)، شکوه قاسم‌نیا (۶ کتاب)، اسدالله شعبانی (۶ کتاب)، بیوک ملکی (۴ کتاب)، قیصر امین‌پور (۳ کتاب)، ناصر کشاورز (۶ کتاب)، محمدکاظم مزینانی (۶ کتاب) و افسانه شعبان‌نژاد (۵ کتاب) اختصاص دارد. با آنچه گذشت، روش مناسب پژوهش مقاله، توصیفی و آماری است. در پایان هر بخش جدولهایی آمده که نام شاعران به ترتیب سیر تاریخی در آنها آمده و میزان به کارگیری حسامیزی در مقابل نام شاعر ثبت شده است. این سیر تاریخی می‌تواند در یک نگاه، خواننده را با سیر تکاملی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان آشنا کند. آگاهی‌هایی که از کاربرد این روشها و این گونه پژوهشها به دست می‌آید، هم برای ادیبان و هم برای روانشناسان و هم برای شاعران کودک و نوجوان سودمند خواهد بود.

#### پیشینه پژوهش

حسامیزی به عنوان آرایه‌ای ادبی برای نخستین بار در ایران در کتاب صور خیال در شعر فارسی نوشته محمدرضا شفیعی کدکنی مطرح شد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۶۷). پس از آن، همین پژوهشگر در کتابهای موسیقی شعر (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۵) و شاعر آینه‌ها (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶، پاورقی) و زبان شعر در نثر صوفیه (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۴۹) به این موضوع پرداخت. همچنین تا کنون مقالاتی با عناوین حواس پنجگانه و حسامیزی در شعر، نوشته پرستو کریمی (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)، بررسی حسامیزی در غزلیات بیدل دهلوی، نوشته شراره الهامی (الهامی، ۱۳۸۷: ۳۱)، حسامیزی: سرشت و ماهیت، نوشته مینا بهنام (بهنام، ۱۳۸۹: ۶۷)، رنگ و حسامیزی در شعر معاصر، نوشته علی سرور یعقوبی (سرور یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۰۵) درباره این موضوع در نشریات علمی- پژوهشی به چاپ رسیده است. در حوزه شعر کودک و نوجوان نیز شاید برای نخستین بار خانم مریم شریف نسب در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان تحلیل تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان به این موضوع پرداخته است. (شریف نسب، ۱۳۸۰) مقاله ای نیز با موضوع زبان و تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان از ایشان در نشریه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان به چاپ رسید که در این مقاله حسامیزی به عنوان یکی از راه‌های تصویر سازی در شعر کودک و نوجوان مورد بررسی قرار گرفته است (شریف نسب، ۱۳۸۱: ص ۷۸-۹۰). در ضمن، علی ارمغان در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع صور خیال

در شعر کودک و نوجوان ایران به بررسی نمونه‌هایی از حسامیزی در شعر برخی شاعران کودک و نوجوان پرداخته است (ارمغان، ۱۳۸۲: ۴۵). همچنین بخشهایی از دو مقاله تحت عنوانهای صورخیال در شعر رحماندوست (ارمغان، ۱۳۸۵: ۲۳۷-۲۲۲) و تصویر آفرینی در شعر قیصر امین‌پور (ارمغان، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۴)، عهده‌دار بررسی حسامیزی در شعر این دو شاعر بوده است. در مقاله دیگری، حسامیزی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگیهای زبانی و تصویرآفرینی در شعر رحماندوست بررسی شده است (صادق زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۷۳) در نهایت در فصل هشتم از کتابی با عنوان وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند، که به نقد شعر کودک اختصاص یافته، نویسنده، که خود از شاعران بنام کودک و نوجوان است به کارگیری حسامیزی در شعر کودک را پسندیده نمی‌داند؛ اما معتقد است در شعر نوجوان با رعایت اعتدال به کارگیری حسامیزی بلامانع است (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۹۲) همان گونه که ملاحظه می‌شود این آثار، هیچ کدام به صورت اختصاصی و ویژه به حسامیزی در شعر کودک و نوجوان نپرداخته‌اند. شاید این پژوهش، نخستین یا جزو نخستین پژوهشها در این زمینه باشد.

لازم به ذکر است در ارجاع به کتابهای شعر کودک و نوجوان با توجه به اینکه این کتابها اغلب، شماره صفحه ندارد، به جای ذکر شماره صفحه از نام شعر استفاده شده است؛ البته به استثنای مواردی که کل کتاب بر یک شعر بلند یا یک منظومه اشتمال دارد که در این موارد از شماره صفحه استفاده شده است. همچنین در ارجاع به کتابهایی از یک شاعر که تاریخ نشر یکسانی دارد، نام کتاب به جای سال نشر در ارجاعات داخل متن ذکر می‌شود.

#### ساختار بلاغی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

گروهی حسامیزی را قسمی مجاز دانسته (داد، ۱۳۸۳: ۱۹۷) و عده‌ای آن را نوعی استعاره شمرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۷۴) و ضمناً تشبیه و کنایه (الهامی، ۱۳۸۷: ۳۳) نیز بر این فهرست افزوده شده است. در شعر کودک و نوجوان، حسامیزی بر اساس این موارد و همچنین بر اساس ایهام پدید آمده است:

#### ۱. تشبیه

در این گونه تصاویر، گاهی تشبیه به صورت گسترده ارائه می‌شود؛ مانند

در اوج سکوت، چشم بیدارت  
فریاد بلند روشنایی بود  
درفصل سیاه وساکت غربت  
حرف تو پیام آشنایی بود  
(ملکی، ۱۳۷۰: بیدارتر از ستاره)

ای گل سرخ زنده خرم  
عطر تو نور و رنگ تو گرم است  
گاهی هم تصاویر تشبیهی به صورت فشرده و در قالب ترکیب اضافی ارائه می‌شود:

چرا نیلوفر آواز بلبل  
به پای میله های سرد پیچید  
گل فریاد شکفت!  
همه پاسخ دادیم: - حاضر!  
(امین پور، ۱۳۷۵: کشف قفس)  
(همان، ۱۳۷۶: حضور لاله‌ها)

## ۲. استعاره

این تصویرها، که غالباً به صورت استعاره مکنیه پدید آمده است، در برخی موارد به صورت ترکیب اضافی (اضافه استعاری) به کار می‌رود. در این موارد، گاهی مشابه، انسان و جاندار است که در ترکیب عضوی یا ملائمی از آن ذکر می‌شود و با آن، تشخیص ساخته می‌شود. گاهی نیز مشابه، غیر جاندار است به همان ترتیب. برای مورد اول می‌توان مثالهای زیر را آورد:

با زبان عطر و با نگاه رنگ  
سبزه‌های بی‌زبان صدام می‌کنند  
(کیانوش a، ۱۳۵۸: من کجا و چشمه‌های مهربان)  
دیگراز پنجره کوچک ما  
خنده سرخ گلم پیدا نیست  
(شعبان نژاد، ۱۳۷۶: جای خالی)  
برلب اجاق دست تو بوی آفتاب می‌دهد  
(ابراهیمی، ۱۳۷۶: بوی نان)  
باز آمد بوی ماه مدرسه بوی بازیهای راه مدرسه  
بوی ماه مهر، ماه مهربان بوی خورشید پگاه مدرسه  
(امین پور، ۱۳۷۶: بوی ماه مهر)

این استعاره‌های مکنیه، گاهی هم به صورت غیرترکیبی به کار می‌رود. در بیت زیر، صدا به چیزی تشبیه شده که رنگ آن زرد است. در بیت بعدی هم صدا به چیزی

تشبیه شده و از صفات آن چیز، صفت خشکی و تیزی ذکر شده است:

صداها زرد بودند مرا پاییز کردند  
صدای خشک و تیزش به روحم تیغ می‌زد

(کشاورز، ۱۳۷۶، a: صدای پای پاییز)

در معدودی موارد، تصویر زمینه از نوع استعاره مصرحه است؛ چنانکه در بیت زیر «آسمان» استعاره از درخت انگور و «ستاره» استعاره از دانه‌های انگور است:

از آسمان سبزش چندین ستاره چیدم

(مزینانی، ۱۳۷۷، a: ستاره‌های شیرین)

### ۳. مجاز

گاهی یکی از ارکان حسامیزی، واژه‌ای است که در معنای مجازی به کار رفته است. در بیت زیر، واژه نگاه در غیر معنای حقیقی و به معنای چشم کاربرد یافته و علاقه آن نیز از نوع سببیت است؛ یعنی ذکر مسبب و اراده سبب و حسامیزی آن نیز به دیدن پرسش در نگاه بازمی‌گردد.

یادم آمد «سلام» یادم رفت پرسشی در نگاه هم دیدیم

(رحماندوست، ۱۳۶۹: یک خاطره، یک سلام)

در بیت زیر، واژه‌های زبان و حرف مجازی است، به معنی سخن با علاقه آیت:

او زبانی گرم دارد حرفهایش آفتاب است

(ابراهیمی، ۱۳۷۶، a: خورشید و ماه)

در بیت بعدی واژه «رینا»، ذکر جزء است و اراده کل و به معنای دعا یا قنوت:

با فطیر تازه مادر می‌رسید دستهایش داشت بوی رینا

(همان، ۱۳۷۴: بوی رینا)

### ۴. ایهام

در مواردی معدود، بنای حسامیزی کودکانه بر تصویری ایهامی است. علت اندک بودن این گونه تصاویر، دیریاب بودن آنها و شاید به این دلیل است که غالب شاعران کودک و نوجوان ما به سراغ این نوع تصویر نرفته‌اند و از میان شاعران مورد بحث نیز، تنها نمونه‌های اندکی از این تصاویر در شعر محمداکظم مزینانی یافت می‌شود و دلیل آن می‌تواند این باشد که این شاعر، به دنبال سرودن شعر محض برای کودک و نوجوان



بوده است و مانند برخی دیگر از شاعران، خیال خود را به صورت کامل محدود و مقید نمی‌کند؛ بلکه تا اندازه‌ای رها می‌گذارد (ارمغان، ۱۳۸۲: ۴۵۱).

در دو بیت زیر، شاعر باواژه‌های آسمان و ستاره تصویری از ایهام تناسب ساخته است؛ به این صورت که ستاره را متناسب با آسمان آورده، حال اینکه در اصل، معنای استعاری انگور را از آن اراده کرده است:

از آسمان سبزش چندین ستاره چیدم

(مزینانی، ۱۳۷۷، a: ستاره‌های شیرین)

در بیت‌های زیر، شاعر، دو ایهام تناسب به کار برده است: در بیت اول بین واژه‌های سنگ و سنگین با این ارتباط معنایی که در وهله اول با دیدن سنگین، وزن سنگین به ذهن مخاطب متبادر می‌شود حال اینکه معنای مورد نظر شاعر می‌تواند متانت و وقار باشد. در بیت دوم هم شاعر، متناسب با واژه انگور، صفت شیرین را آورده است که به دو معنی تواند بود؛ معنای اول شیرین‌مزه که در اینجا مراد نیست و معنای دوم، گوارا و دلنشین که این معنی مورد نظر شاعر است:

سکوت سرد سنگ چه سخت و سنگین است

سکوت هر انگور چقدر شیرین است

(مزینانی، ۱۳۷۹، a: سکوت را بشنو)

در نمونه زیر نیز با آوردن واژه سخت در کنار سؤال، همان معنای آشنای دشوار به ذهن مخاطب می‌رسد حال اینکه معنای جسم سخت مورد نظر شاعر بوده است:

بدون تو نمی‌شود در آسمان عقاب شد

سؤال سخت سنگ را نمی‌توان جواب شد

(مزینانی، ۱۳۷۵: آینه‌های قناس)

در جدول شماره (۱) فراوانی به کارگیری انواع ساختار بلاغی در کتابهای بررسی شده با ذکر ارقام نشان داده شده است:

جدول شماره ۱					نام شاعر
میزان به کارگیری انواع ساختار بلاغی حسامیزی					
تشبیه	استعاره	مجاز	ایهام	جمع	
۰	۰	۰	۰	۰	باغچه‌بان
۸	۰	۰	۰	۸	یمینی شریف

دولت آبادی	۱	۳	۱	۵
کیانوش	۲	۱۸	۱	۲۱
رحماندوست	۲	۱۳	۱	۱۶
ابراهیمی	۴	۱۸	۳	۲۵
قاسم نیا	۰	۲	۰	۲
شعبانی	۰	۲	۱	۳
امین پور	۲	۹	۰	۱۱
ملکی	۱	۶	۰	۷
کشاورز	۰	۵	۰	۵
مزینانی	۰	۷	۰	۱۱
شعبان نژاد	۰	۱	۰	۱
جمع	۲۰	۸۴	۷	۱۱۵

### ساختار زبانی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

تصاویر ساخته شده بر مبنای حسامیزی در شعر کودک و نوجوان از نظر دستوری چند ساختار دارد:

۱. ساختار ترکیبی که خود بر دو قسم است:

#### الف) ترکیب وصفی

گفت با پدر کلام گرمتر  
 قوقولی قو صدای گرم خروس  
 جویبارها جاریست  
 در این ابیات آن گونه که پیداست، ترکیب‌های کلام گرم، صدای گرم و صدای رنگین دارای ساختار ترکیبی از نوع وصفی است.

#### ب) ترکیب اضافی

در بیت‌های زیر نیز ترکیب‌های بوی پاییز، بوی ماه، بوی بازی و بوی خورشید ساختار ترکیبی از نوع اضافی دارد:

ازبوی سردی پر شده هر جا می‌دانم این بو، بوی پاییز است  
 (ابراهیمی، ۱۳۷۶، ا: اتاق شیشه‌ای)

بررسی ساختاری حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

باز آمد بوی ماه مدرسه      بوی بازیهای راه مدرسه  
 بوی ماه مهر، ماه مهربان      بوی خورشید پگاه مدرسه  
 (امین پور، ۱۳۷۶: بوی ماه مهر)

۲. ساختار غیر ترکیبی (اسنادی)

صداهایی پر از زهر      که بوی مار می‌داد  
 صداها زرد بودند      مرا پاییز کردند  
 (کشاورز، ۱۳۷۶: صدای پای پاییز)

ساختار حسامیزی در این ابیات نیز غیر ترکیبی است. در شعرهای بررسی شده، موارد مربوط به انواع ساختار زبانی، بسامد قابل توجهی داشت که ضمن مشخص کردن آنها، رقم مربوط به فراوانی هر کدام در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره ۲				نام شاعر
میزان به کارگیری انواع ساختار زبانی حسامیزی				
جمع	ساختار غیر ترکیبی	ساختار ترکیبی		
		ترکیب اضافی	ترکیب وصفی	
۰	۰	۰	۰	باغچه بان
۸	۵	۱	۲	یمینی شریف
۵	۲	۰	۳	دولت آبادی
۲۱	۴	۴	۱۳	کیانوش
۱۶	۱۳	۱	۲	رحماندوست
۲۵	۱۰	۸	۷	ابراهیمی
۲	۱	۰	۱	قاسم نیا
۳	۱	۱	۱	شعبانی
۱۱	۲	۶	۳	امین پور
۷	۱	۵	۱	ملکی
۵	۲	۱	۲	کشاورز
۱۱	۳	۴	۴	مزینانی

۱	۰	۰	۱	شعبان‌نژاد
۱۱۵	۴۴	۳۱	۴۰	جمع

### ساختار معنایی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

با مطالعه نمونه‌های شعر کودک و نوجوان مشخص می‌شود که ترکیب حواس در شعر این گروه از مخاطبان به برخی حواس محدود است؛ هرچند «از لحاظ جدول امکانات زبانی به تناسب پنج حس ظاهری، می‌توان بیست و پنج نوع حسامیزی تصور کرد که ممکن است بسیاری از انواع آن هیچ‌گاه در زبان قابل تصور نباشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۶). از میان پنج حس شنوایی، بینایی، چشایی، بویایی و لامسه، حسهایی که در شعر کودک و نوجوان با یکدیگر آمیختگی دارد، نه گونه مشخص را در حسامیزی تشکیل داده که عبارت است از: شنوایی با بینایی، بینایی با چشایی، شنوایی با چشایی، لامسه با شنوایی، شنوایی با بویایی، بویایی با بینایی، بینایی با لامسه، لامسه با چشایی و بویایی با لامسه. البته این گونه‌ها هنگام ترکیب یا تبدیل به هم، گاهی به صورت معکوس نیز یافت می‌شود؛ به عنوان مثال ترکیب شنوایی با چشایی به صورت چشایی با شنوایی هم در این اشعار یافتنی است.

بیشترین تعداد حسامیزی در اشعار بررسی شده به ترکیب بویایی با بینایی مربوط است و پس از آن، ترکیب بینایی با شنوایی در رتبه دوم است و ترکیب لامسه با چشایی با دو نمونه در رتبه آخر قرار می‌گیرد.

#### ۱. بویایی با بینایی (بینایی با بویایی)

در این نوع از حسامیزی، شاعر بوی بسیاری از عناصر را، که غالباً با چشم و فعل دیدن قابل توصیف است، با مشام می‌شنود:

ای گل سرخ زنده خرم      عطر تو نور و رنگ تو گرم است  
خندید و گفت: « این فصل      با خنده کار دارد

(کیانوش، ۱۳۵۸، ۵: فروغ اهورا مزدا)

لبخندهای من هم      بوی بهار دارد

(رحماندوست، ۱۳۶۹: خنده و بوی بهار)

با نگاهش می‌تواند	بوی شبنم را بنوشد
	(ابراهیمی، ۱۳۷۶، a: خورشید و ماه)
دوباره شکفته است گل از گلم	بین بوی گل می‌دهد خنده ام
	(امین‌پور، ۱۳۷۵: به قول پرستو)
پر شده بوی پر پروانه	روی دیوار و در این خانه
	(ملکی، ۱۳۷۶: فصل دوستی)
دقترم سبز شد	بوی قرآن گرفت
	(مزینانی، ۱۳۷۷، b: خدای شعر)

در کتابهای بچه‌های جهان از کیانوش (شعرهای، چهچهه، زندگی و چراغ)، خورشیدی اینجا خورشیدی آنجا از ابراهیمی (شعرهای خانه ما و بوی نان)، آواز پوپک (شعرهای بهار، آوازپوپک و برزیگر کوچک) و پروانه در باران (شعر بعد از باران) از جعفر ابراهیمی و مثل چشمه مثل رود از امین پور (شعر بوی ماه مهر) و شعرهای ناتمام از مزینانی (شعر بازی و ناز و نیاز) نیز مواردی از این دست یافت می‌شود.

## ۲. شنوایی با بینایی (بینایی با شنوایی)

در این نوع حسامیزی، حس شنوایی با ویژگیها و واژگانی مانند حرف، پرسش، قصه، گامهای موسیقی، نغمه، آواز، صدا، فریاد، زبان، خنده، سؤال و زمزمه با حس بینایی و وابسته‌هایش چون: نظر، نگاه، دیدن، چشم، آفتاب، روشن، روشنایی، اشک، پیدا، رنگین، زردی، سرخی، سیاهی، طلایی، زلال و... ترکیب شده است:

یادم آمد «سلام» یادم رفت	پرسشی در نگاه هم دیدیم
	(رحماندوست، ۱۳۶۹: یک خاطره، یک سلام)
جویبارها جاری‌ست	در صدای رنگینت
	(ابراهیمی، ۱۳۷۴: جاده‌های مه)
چرا نیلوفر آواز بلبل	به پای میله‌های سرد پیچید
	(امین‌پور، ۱۳۷۵: کشف قفس)
دیگراز پنجره کوچک ما	خنده سرخ گلم پیدا نیست
	(شعبان‌نژاد، ۱۳۷۶: جای خالی)

در کتابهای فصل بهار بنویس از رحماندوست (شعرگامهای موسیقی) مثل چشمه مثل رود از امین‌پور (شعر حضور لاله‌ها)، چکه ای آواز تکه ای مهتاب از کشاورز (شعر صدای پای پاییز) و کلاغ‌های کاغذی از مزینانی (شعر یک سؤال سرخ) نیز نمونه‌هایی از این گونه ترکیب دیده می‌شود.

### ۳. لامسه با شنوایی (شنوایی با لامسه)

در این نوع حسامیزی، شاعران کودک و نوجوان، صفاتی از حوزه حس لامسه مانند گرم، سرد، داغ، خشک، دراز، تیز، سخت و سنگین را با منتسبات حس شنوایی ترکیب کرده و تصاویری این‌گونه ساخته‌اند:

خانۀ پر از گرم آوازی کند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: آشیانه)	باز آید در بهاران از سفر
بر تن سرد آب می‌ریزدنوش a، ۱۳۵۸: موج (از پشت موج)	خنده گرم و روشن خورشید
چوبین در دهها شیرین چون خاطره (رحماندوست، ۱۳۶۹: کوچه خاطره‌ها)	یک کوچه که دارد چون قصه دراز است
بوی سبز تپه و صحرا (ابراهیمی، ۱۳۷۸: شبان و گوسفندان)	در صدای گرمشان پیداست
به روحم تیغ می‌زد (کشاورز a، ۱۳۷۶: صدای پای پاییز)	صدای خشک و تیزش
چه سخت و سنگین است چقدر شیرین است (مزینانی a، ۱۳۷۹: سکوت را بشنو)	سکوت سرد سنگ سکوت هر انگور

در کتابهای بر قایق ابرها از دولت‌آبادی (شعر پدر)، کتابهای آفتاب خانه ما (شعر قوقولی قو شبت چگونه گذشت) و طاق هفت رنگ از کیانوش (شعرهای پرده زرد و سلام ای معلم بزرگوار)، و کتابهای قالی رنگین کمان (شعر خورشید و ماه) و آواز پوپک از ابراهیمی (شعر شبان و گوسفندان)، منظومه ظهر روز دهم از امین‌پور (صفحه ۱۳)، چکه ای آواز تکه ای مهتاب از کشاورز (شعر ختم بال و پرواز) و

شعرهای ناتمام از مزینانی (شعر آینه‌های قناس) نیز مواردی از این نوع قابل مشاهده است.

#### ۴. شنوایی با چشایی (چشایی با شنوایی)

طعم عسل داشت آواز زنبور

(دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: آواز زنبور)

پند تلخی که بر زبان آریم خود بسی آزموده ایم آن را

(کیانوش a، ۱۳۵۸: آینه‌های کردار)

چون قصه دراز است

چون خاطره شیرین

(رحماندوست، ۱۳۶۹: کوچه خاطره‌ها)

راستی که زندگی آنجا

مثل شعر و قصه شیرین بود

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: خانه ما)

سکوت هر انگور

چقدر شیرین است

(مزینانی a، ۱۳۷۹: سکوت را بشنو)

در کتابهای آواز فرشتگان از یمینی شریف (شعر کودکان شیرین زبان)، برقایی ابرها از دولت‌آبادی (شعر ای بچه‌های کوچه)، آفتاب خانه ما از کیانوش (شعر آینه‌های کردار)، پشت این پنجره‌ها از رحماندوست (شعر لالایی)، خورشیدی اینجا خورشیدی آنجا از ابراهیمی (شعر کتاب) و جشن جوانه‌ها از شعبانی (شعر مادر بزرگ) نمونه‌های دیگری از این گونه ترکیب وجود دارد.

#### ۵. بینایی با لامسه (لامسه با بینایی)

ای گل سرخ زنده خرم

عطر تو نور و رنگ تو گرماست

(کیانوش a، ۱۳۵۸: فروغ اهورا مزدا)

هر چیز قشنگ بود و زیبا

در زیر نگاه گرم خورشید

(ابراهیمی، ۱۳۷۷: چشم‌انداز)

در کتابهای به قول پرستو از امین‌پور (شعر بالهای کودکی) و بربال رنگین کمان از بیوک ملکی (شعر مثل روزهای عید) موارد دیگری از این دست وجود دارد.

### ۶. بینایی با چشایی (چشایی با بینایی)

موارد این نوع حسامیزی در شعر شاعران مورد مطالعه، شامل موارد زیر است:

هر گل که بینم دلپسند شیرین مزه مانند قند

(یمینی شریف، a، بی تا: گل شناس)

کودکی دید زشت و تلخ و کثیف هر چه در آینه نظر انداخت

(دولت آبادی، ۱۳۷۷: آینه)

تو چون لبخند بابا چه شیرینی چه گرمی

(قاسم نیا، ۱۳۶۸: خورشید)

نمونه‌های دیگر را در کتابهای آواز فرشتگان یمینی شریف (شعرهای دخترم، آهنگ پای قاطر و آفرین)، آفتاب خانه ما از کیانوش (شعر جهان شو) و خدای جیرجیرکها از مزینانی (شعر ستاره‌های شیرین) می‌توان دید.

### ۷. شنوایی با بویایی (بویایی با شنوایی)

درصدای گرمشان پیداست بوی سبز تپه و صحرا

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: شبان و گوسفندان)

باز بوی باغ را خواهم شنید از سرود صبحگاه مدرسه

(امین پور، ۱۳۷۶: بوی ماه مهر)

شد نسیمی وزان مثل بوی اذان

(مزینانی، b، ۱۳۷۷: غنچه‌ها جانماز)

نمونه‌هایی دیگر از این دست را می‌توان در کتابهای آواز پوپک ابراهیمی (شعر برزیگر کوچک)، پروانه در باران از همین شاعر (شعر بوی ربنا) و چکه‌ای آواز تکه‌ای مهتاب کشاورز (شعر صدای پای پاییز) مشاهده کرد.

### ۸. بویایی با لامسه (لامسه با بویایی)

این ترکیب به شواهدی محدود است از شعر جعفر ابراهیمی:

پر شد اتاقم دوباره از بوی نمناک باران

(ابراهیمی، ۱۳۷۷: باران)



بررسی ساختاری حسامیزی در شعر کودک و نوجوان

از بوی سردی پرشده هر جا می‌دانم این بو بوی پاییز است  
(همان: اتاق شیشه ای)

و دو نمونه دیگر در کتابهای پروانه در باران (پاییز) و باغ سیب (ص ۱۸)

۹. لامسه با چشایی

برای این نوع از حسامیزی فقط مورد زیر در شعر مصطفی رحماندوست یافت شد.  
در این نمونه خورشید هنگام سرما شیرین دانسته شده است:

می تابد با گرما  
شیرین است در سرما

(رحماندوست، ۱۳۷۸: این و آن)

برای مشاهده فراوانی به کارگیری انواع ساختار معنایی حسامیزی در شعر این گروه از مخاطبان، جدول شماره (۳) ترسیم شده است.

جدول شماره ۳										نام شاعر
میزان به کارگیری انواع ساختار معنایی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان										
جمع	بویایی - لامسه	بویایی - چشایی	لامسه - چشایی	بینایی - لامسه	بویایی - بینایی	شنوایی - بویایی	لامسه - شنوایی	شنوایی - چشایی	بینایی - چشایی	شنوایی - بینایی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	یاغچه‌بان
۶	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۳	یعنی شریف
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۱	دولت آبادی
۲۱	۰	۰	۰	۴	۳	۱	۳	۵	۲	کیانوش
۱۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۰	رحماندوست
۲۰	۴	۰	۱	۸	۳	۲	۱	۱	۰	ابراهیمی
۲	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	قاسم نیا
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	شعبانی
۱۰	۰	۰	۱	۳	۲	۲	۰	۰	۰	امیرپور
۳	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	ملکی
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۰	۰	۰	کشاورز
۱۱	۰	۰	۰	۲	۲	۲	۱	۲	۲	مزیناتی
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	شعبانزاد
۹۷	۴	۲	۹	۱۸	۱۰	۱۵	۱۳	۹	۱۷	جمع

### حسامیزی با مفاهیم انتزاعی

هنگام بررسی حسامیزی در شعر کودک و نوجوان به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها یکی از حواس پنجگانه یا ویژگی‌هایشان با یک مفهوم انتزاعی ترکیب شده است البته پیداست که این‌گونه حسامیزی بویژه در شعر کودکان با اکراه و امساک از سوی شاعر به کار می‌رود.

مفاهیم انتزاعی، صورتهای عمومی و ماهوی اشیا را شامل می‌شود که با تجرید به دست می‌آید (حاجی نصر الله، ۱۳۸۴: ۶۲). در مورد دریافت مفاهیم انتزاعی از سوی مخاطب کودک، باید گفت در تقسیم‌بندی مراحل چهارگانه رشد شناختی پیاژه، چهارمین مرحله، دوره عملیات صوری است. در این دوره، که از دوازده سالگی شروع می‌شود و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد، تفکر نوجوان از واقعیت عینی و محسوس فاصله می‌گیرد و به صورت انتزاعی در می‌آید (سیف و دیگران، ۱۳۷۳: ۹۵) در حالی که مطالعات میدانی نشان می‌دهد حتی کودکان مرحله «پیش‌عملیاتی» (یعنی کودکان ۱۸ ماهه تا ۷ ساله) می‌توانند از آموزش «نگهداری ذهنی» و سایر آموزش‌های مربوط به عملیات عینی بهره‌گیرند. بنابراین با استفاده از کار میدانی پژوهشگران روانشناسی رشد می‌توان گفت: «کودک از سه سالگی توانایی درک مفاهیم انتزاعی را دارد» (حاجی نصرالله، ۱۳۸۴: ۶۳)؛ به عنوان نمونه می‌توان به گفتگویی اشاره کرد که بین دختر خردسالی (در سه سال و چهار ماهگی) با پدرش صورت گرفته است. این دختر در حال نگاه کردن به یک تابلوی تبلیغاتی در مورد نوعی زیرپوش، که انواع مختلفی از میوه‌ها را نشان می‌دهد، می‌گوید: «بابا نگاه کن، یک کپه غذا!» (فاستر کوهن، ۱۳۸۹: ۹۵) در این گفتگو، کودک با مفهوم عام و انتزاعی غذا آشناست و می‌تواند میوه را، که خود مفهومی انتزاعی است به عنوان زیرمجموعه‌ای برای غذا تصور کند که مفهومی انتزاعی‌تر است. در جای دیگری به این موضوع از نگاه پیاژه اشاره شده است. پیاژه اعتقاد دارد که همه کودکان بالاخره می‌آموزند تا مقوله‌هایی مثل «سگ» را، که کمتر جنبه انتزاعی دارد در مقوله‌هایی که بیشتر جنبه انتزاعی دارد مثل «حیوان خانگی» یا «پستاندار» گروه‌بندی کند. به همین ترتیب همه کودکان تشخیص می‌دهند که پدیده‌ها را می‌توان برحسب بزرگی‌شان از کوچکترین تا بزرگترین یا از سبکترین تا سنگین‌ترین طبقه‌بندی کرد (ماسن، ۱۳۷۹: ۲۶۵)؛ به این معنی که کودک مفاهیم را می‌تواند از حسی تا انتزاعی یا از انتزاعی تا انتزاعی‌تر تقسیم‌بندی کند و اینگونه، دریافت آنها را برای خود آسانتر سازد. البته در برخی از

مفاهیم، که بیشتر انتزاعی است، ممکن است لازم باشد برای کودک توضیحاتی آورد؛ به عنوان مثال اگر کودک چهارساله‌ای پیرسد آزادی چیست، می‌توان گفت: «می‌دانی که هر یک از ما در خانه خودمان تا چه حد امکان بیان احساسات خود را درباره موضوعهای مختلف داریم، این نوعی آزادی است» (والاس، ۱۳۸۸: ۳۷).

شاعران کودک و نوجوان ایران در به کارگرفتن مفاهیم انتزاعی، محتاط عمل می‌کنند و این یقیناً به تصور آنان از مفهوم کودکی و یا برداشت اشتباه ایشان از نظر روانشناسان برمی‌گردد. به نظر می‌رسد لازم است انگاره‌های آنها از کودکی بازبینی شود. در این صورت شاید ادبیات کودکان در بخش تألیف برای کودکان پیش از دبستان و سالهای اول دبستان، که بیشتر در جایگاه «رؤیت» مفاهیم عینی، آن هم در قالب رئالیسم ابتدایی باقی مانده است، بتواند از قالبهای دیگر نیز گذر کند و با طرح مفاهیم انتزاعی برای کودکان پیش از دبستان، با زبانی خلاق، هماهنگ با نیازهای مخاطب به پرورش ذهن او یاری رساند (حاجی نصرالله، ۱۳۸۴: ۷۰).

موارد حسامیزی با مفاهیم انتزاعی در شعرهای شاعران مورد نظر، محدود است. تقریباً همه موارد مشخص شده نیز به شعرهای سروده شده برای نوجوانان مربوط می‌شود. در بعضی از آنها در یک سوی ترکیب، مفهومی از زمان قرار دارد؛ مثلاً مفهوم عید یا روز یا ماه مهر یا ماه مدرسه. ترکیب این موارد با حواس همان ترکیبی را می‌سازد که قبلاً نام «بعدآمیزی ناقص» بر آن نهاده شده است (فولادی، ۱۳۷۶: ۱۱۳). حسامیزی با مفاهیم انتزاعی، که می‌توان آن را حسامیزی عقلی نامید در پنج گروه زیر جای می‌گیرد:

### ۱. مفاهیم انتزاعی با لامسه (لامسه با مفاهیم انتزاعی)

مرد در سینه‌ام کینه سرد  
حرفمان مثل دیروز گل کرد  
(رحماندوست، ۱۳۷۹: فهر و آشتی)

شد زندگی گرم و شیرین  
در آسمان و زمین باز  
(ابراهیمی، ۱۳۷۴: جاده‌های مه)

### ۲. انتزاعی با چشایی (چشایی با انتزاعی)

رنج می‌دید و براو شیرین بود  
رنگ می‌دید و براو شیرین بود  
(یمینی شریف، بی‌تا: دامان مادر)

روزها شیرین است  
نوبهاری زیباست  
(رحماندوست، ۱۳۷۰: زندگی شیرین است)

شد زندگی گرم و شیرین در آسمان و زمین باز (ابراهیمی، ۱۳۷۴: جاده‌های مه)  
 می‌توان امروز از آغاز صبح تازه شد و طعم هوا را چشید (ملکی، ۱۳۷۶: فصل دوستی)  
 در کتابهای زیباتر از بهار (شعر عروسک جان لالا) و بهار اینجاست (شعر زندگی  
 شیرین است) از رحماندوست، آواز پوپک (شعر خانه ما) از ابراهیمی و مثل چشمه مثل  
 رود (منظومه فلسطین) از قیصر امین‌پور نمونه‌های دیگر از این دست موجود است.

### ۳. انتزاعی با بویایی (بویایی با انتزاعی)

بوی خدا، بوی صفا، بوی نان بوی نوازشگر بوی برزیگران  
 (ابراهیمی، a، ۱۳۷۶: خانه ما)  
 باز آمد بوی ماه مدرسه بوی بازیهای راه مدرسه  
 بوی ماه مهر، ماه مهربان بوی خورشید پگاه مدرسه  
 (امین‌پور، ۱۳۷۶: بوی ماه مهر)

نمونه‌های دیگر از این نوع در کتابهای آوای نوگلان از یمینی شریف (شعر بوی  
 عید) و بوی سیب از ابراهیمی (ص ۲۳) و کوچه دریاچه‌ها از بیوک ملکی (شعر بوی  
 کفش نو) آمده است.

### ۴. انتزاعی با بینایی (بینایی با انتزاعی)

آسمان ما / باصدا و دود رنگ غم گرفت  
 (شعبانی، a، ۱۳۷۶: ص ۵)  
 در فصل سیاه و ساکت غربت حرف تو پیام آشنایی بود  
 (ملکی، ۱۳۷۰: بیدارتر از ستاره)

### ۵. انتزاعی با شنوایی

در فصل سیاه و ساکت غربت حرف تو پیام آشنایی بود  
 (ملکی، ۱۳۷۰: بیدارتر از ستاره)

در جدول شماره (۴) میزان به کارگیری انواع حسامیزی با استفاده از مفاهیم انتزاعی آمده است.

جدول شماره ۴						نام شاعر
میزان به کار گیری انواع حسامیزی با مفاهیم انتزاعی						
جمع	انتزاعی - لامسه	انتزاعی - بویایی	انتزاعی - شنوایی	انتزاعی - چشایی	انتزاعی - بینایی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	باغچه بان
۲	۰	۱	۰	۱	۰	یمینی شریف
۰	۰	۰	۰	۰	۰	دولت آبادی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کیانوش
۵	۱	۰	۰	۴	۰	رحماندوست
۵	۱	۲	۰	۲	۰	ابراهیمی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	قاسم نیا
۱	۰	۰	۰	۰	۱	شعبانی
۱	۰	۱	۰	۰	۰	امین پور
۴	۰	۱	۱	۱	۱	ملکی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کشاورز
۰	۰	۰	۰	۰	۰	مزینانی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	شعبان نژاد
۱۸	۲	۵	۱	۸	۲	جمع

### نتیجه گیری

حسامیزی به عنوان راه ساختن تصویرهای شاعرانه و همچنین توسعه زبان از قدیم همواره در ادب فارسی کاربرد داشته است در شعر کودک و نوجوان نیز از زمان پیدایش این نوع شعر به آن توجه شده است. در شعر این دسته از مخاطبان، مبنای بلاغی حسامیزی، تصاویری از تشبیه، استعاره، مجاز و ایهام پیش روی ما می گذارد که تصویرهای دارای مبنای استعاری با رقم هشتاد و پنج مورد از کل صد و پانزده تصویر حسامیزی بیشترین آمار به کارگیری را دارد. کمترین آمار نیز سهم تصاویر مربوط به

صنعت ایهام است که چهار مورد است و تنها در شعر محمدکاظم مزینانی به کار رفته است (جدول شماره ۱). در شعرکودک و نوجوان ساختار زبانی حسامیزی به دو صورت به کار رفته است: الف- به صورت ترکیبی که خود دو شکل دارد: ۱- ترکیب اضافی مانند بوی پاییز، زبان عطر و نگاه رنگ ۲- ترکیب وصفی مانند خنده گرم، صدای رنگین و کلام گرم ب- به صورت غیرترکیبی مانند صداها زرد بودند. در این ساختار، بیشترین آمار به تصویرهای با ساختار غیرترکیبی مربوط است و ترکیبهای اضافی در این مورد کمترین سهم را دارد (جدول شماره ۲).

در شعر این گروه از مخاطبان از ترکیب حواس پنجگانه با یکدیگر، نه گونه حسامیزی به دست آمده است که عبارت است از: شنوایی با بینایی، بینایی با چشایی، شنوایی با چشایی، لامسه با شنوایی، شنوایی با بویایی، بویایی با بینایی، بینایی با لامسه، لامسه با چشایی و بویایی با لامسه. البته این گونه‌ها هنگام ترکیب یا تبدیل به هم، گاهی به صورت معکوس نیز یافت می‌شود؛ چنانکه ترکیب شنوایی با چشایی به صورت چشایی با شنوایی هم در این اشعار یافتنی است. از نظر بسامد در ترکیبهای مربوط به حواس، بیشترین بسامد مربوط به ترکیب ویژگیها و صفات به دو حس بویایی با بینایی مربوط است (با تعداد هجده مورد) و پس از آن ترکیب حواس شنوایی با بینایی در مرتبه دوم قرار دارد. بنابراین آن گونه که با استناد به پژوهشی در مقدمه اشاره شد در کتابهای بررسی شده در این مقاله نیز فعالترین حس، حس بینایی است و ضمناً کمترین بسامد هم به ترکیب دو حس لامسه و چشایی مربوط است (جدول شماره ۳).

به طور کلی، بیشترین میزان استفاده از تصاویر مربوط به حسامیزی در شعر جعفر ابراهیمی قابل مشاهده است و پس از او محمود کیانوش بیشترین سهم را در این باره دارد. کمترین بهره را نیز شاعرانی چون افسانه شعبان‌نژاد و شکوه قاسم‌نیا از این گونه تصاویر برده‌اند. در شعرهای بررسی شده از جبار باغچه‌بان نیز هیچ‌گونه ترکیبی از آمیزش حواس یافت نشد. البته شعرهای اندک سروده شده توسط این شاعر، تقریباً همه برای آموزش کودکان ناشنواست. مسلم است در شعرهای بررسی شده با کم شدن سن مخاطب، بسامد حسامیزی نیز در شعر او کم می‌شود و هر چه سن مخاطب زیادتر می‌شود، علاوه بر بالا رفتن بسامد تصویرهای حسامیزانه، گاه مفاهیم انتزاعی نیز وارد ترکیبهای حسامیزی شعری وی می‌شود. برخی ترکیبها در شعر بعضی شاعران بیشترین

بسامد را داشت؛ مثلاً ترکیهایی که یک طرف آنها حس بویایی بود در شعر جعفر ابراهیمی بسامد زیادی داشت؛ همچنین برای ترکیب حس بویایی با لامسه فقط نمونه‌هایی در شعر جعفر ابراهیمی یافت شد و شاعران دیگر از این ترکیب بهره نبرده‌اند (جدولهای شماره ۳ و ۴). در حسامیزی با مفاهیم انتزاعی، ضمن اینکه تقریباً همه تصویرها به اشعار مربوط به مخاطب نوجوان منحصر می‌شود، همه حواس نمونه‌هایی دارد و بیشترین نمونه‌ها به دو حس چشایی و بویایی مربوط است. در این‌گونه ترکیبها نیز کمترین آمار به ترکیب مفاهیم انتزاعی با مفاهیم حس شنوایی مربوط است (جدول شماره ۴).

پی‌نوشت

1. Preconceptual
2. transductive reasoning
3. syncretic

منابع

- ابراهیمی، جعفر؛ وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۱.
- ارمغان، علی؛ صور خیال در شعر کودک و نوجوان ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲.
- ارمغان، علی؛ «صور خیال در شعر رحماندوست»؛ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، س ۱۲، ش ۴۶-۴۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.
- ارمغان، علی؛ «تصویرآفرینی در شعر قیصر»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، س ۱۱، ش ۳، دی ۱۳۸۶.
- الهامی، شراره؛ «بررسی حسامیزی در غزلیات بیدل دهلوی»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۴، ش ۱۲، پاییز ۸۷.
- انوشه، حسن؛ فرهنگنامه ادبی فارسی: دانشنامه ادب فارسی ۲؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۷.
- بهنام، مینا؛ «حسامیزی: سرشت و ماهیت»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۹، زمستان ۱۳۸۹.

- حاجی نصرالله، شکوه؛ «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک»؛ فصلنامه پژوهشی، تحلیلی و آموزشی پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، س ۱۱، ش ۴۱، تابستان ۱۳۸۴.
- داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ چ دوم، تهران: مروارید، ۱۳۸۳.
- دورتی، جی، سینگر-تریسی، آ، رونسون؛ کودک چگونه فکر می‌کند؟؛ مترجم مصطفی کریمی، چ سوم، تهران: آموزش، ۱۳۷۶.
- سرور یعقوبی، علی؛ «رنگ و حسامیزی در شعر معاصر»؛ فصلنامه مطالعات نقد ادبی پژوهش ادبی، ش ۱۴، بهار ۱۳۸۸.
- سیف، سوسن و دیگران؛ روانشناسی رشد؛ چ هشتم، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- شریف نسب، مریم؛ تحلیل تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- شریف نسب، مریم؛ «زبان و تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان»؛ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۳۰، پاییز ۱۳۸۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ شاعر آینه‌ها؛ تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی؛ چ هفتم، تهران: آگاه، ۱۳۷۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر؛ چ هفتم، تهران: آگاه، ۱۳۸۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ زبان شعر در نثر صوفیه؛ تهران: سخن، ۱۳۹۲.
- صادق زاده، محمود؛ « بررسی اصلی‌ترین ویژگی‌های زبانی و تصویرآفرینی در اشعار رحماندوست»؛ نشریه علمی- پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، س ۵، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- صفا، ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات ایران خلاصه ج ۱ و ۲؛ چ دوازدهم، تهران: ققنوس، پاییز ۱۳۷۳.
- فاستر کوهن، سوزان؛ درآمدی بر رشد زبان کودک؛ مترجم فرزاد میر احمدی، تهران: رشد، ۱۳۸۹.
- فردوسی؛ شاهنامه؛ تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: روزبهان، ۱۳۶۸.
- فولادی، علیرضا؛ «بعد آمیزی در شعر سپهری»؛ نشریه دانشگاه انقلاب جهاد دانشگاهی، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، بهار ۱۳۷۶.
- کریمی، پرستو؛ «حواس پنجگانه و حسامیزی در شعر»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی گوهر گویا، س ۲، ش ۸، زمستان ۱۳۸۷.
- ماسن، پاول هنری و دیگران؛ رشد و شخصیت کودک؛ مترجم مهشید یاسایی، چ شانزدهم، تهران، مرکز، ۱۳۷۹.



مصطفوی، صوفی و حسین مصطفوی؛ شاعر قاصدک ها و راوی آینه‌ها؛ تهران: نسیم دانش، ۱۳۸۰.

والاس، مری؛ کلید رفتار با کودک چهارساله؛ مترجم مینا اخباری آزاد، چ ششم، تهران، صابرین، ۱۳۸۸.

### کتابهای بررسی شده

ابراهیمی، جعفر؛ آب مثل سلام؛ چ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷.

ابراهیمی، جعفر؛ آواز پوپک؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۸.

ابراهیمی، جعفر؛ باغ سیب؛ چ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۱.

ابراهیمی، جعفر؛ پروانه در باران؛ تهران: زلال، ۱۳۷۴.

ابراهیمی b، جعفر؛ خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا؛ چ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.

ابراهیمی a، جعفر؛ قالی رنگین کمان؛ چ چهارم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۶.

امین پور، قیصر؛ به قول پرستو؛ تهران: زلال، ۱۳۷۵.

امین پور، قیصر؛ ظهر روز دهم؛ تهران: برگ، ۱۳۶۵.

امین پور، قیصر؛ مثل چشمه مثل رود؛ چ سوم، تهران: سروش، ۱۳۷۶.

باغچه‌بان a، جبار؛ جوجه‌ی من؛ تهران: مرکز تولید انتشارات دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۸.

باغچه‌بان a، جبار؛ شب به سر رسید؛ تهران: نشر شرکت همگام با کودک، ۱۳۷۳.

باغچه‌بان b، جبار؛ کبوتر من، کبوتر من؛ تهران: نشر شرکت همگام با کودک، ۱۳۷۳.

باغچه‌بان b، جبار؛ من هم در دنیا آرزو دارم؛ تهران: چاپخانه نگین، ۱۳۵۸.

دولت آبادی، پروین؛ برقایی ابرها؛ چ دوم، شیراز: دلگشا، ۱۳۷۷.

دولت آبادی، پروین؛ گل بادام؛ چ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۸.

رحماندوست b، مصطفی؛ بابا آمد، نان آورد؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۸.

رحماندوست، مصطفی؛ بهار اینجاست؛ تهران: همکلاسی، ۱۳۷۰.

رحماندوست a، مصطفی؛ پشت این پنجره‌ها؛ چ ششم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۹.

رحماندوست a، مصطفی؛ زیباتر از بهار؛ چ هشتم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۸.

رحماندوست b، مصطفی؛ فصل بهار بنویس؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۹.

- رحماندوست، مصطفی؛ *کوچه های آبی*؛ تهران: محراب قلم، ۱۳۶۹.
- شعبان نژاد، افسانه؛ *ابراو ملد، بهار اوملد*؛ چ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۹.
- شعبان نژاد، افسانه؛ *بابا و باران*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۴.
- شعبان نژاد، افسانه؛ *پونه ها و پروانه ها*؛ چ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
- شعبان نژاد، افسانه؛ *چتری از گلبرگها*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷.
- شعبان نژاد، افسانه؛ *زنبور و سیب قرمز*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۸۱.
- شعبانی a، اسدالله؛ *آخرین پرنده ی آزاد*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۶.
- شعبانی a، اسدالله؛ *جشن جوانه ها*؛ چ ششم، تهران: مدرسه، ۱۳۷۸.
- شعبانی b، اسدالله؛ *زمین کوچک من*؛ چ دوم، تهران: کتابهای شکوفه، ۱۳۷۶.
- شعبانی c، اسدالله؛ *شیشه های آسمان*؛ چ دوم، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- شعبانی b، اسدالله؛ *علی کوچولو کلاغ شد*؛ چ دوم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۸.
- شعبانی، اسدالله؛ *گل آفتاب گردان*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۸.
- قاسم نیا، شکوه؛ *بوی گل نارنج*؛ تهران: نشر نهاد هنر و ادبیات، ۱۳۶۸.
- قاسم نیا، شکوه؛ *به خاطر خروسه*؛ تهران: قدیانی، ۱۳۷۷.
- قاسم نیا a، شکوه؛ *خاله ریزه و صندوق جادویی*؛ چ سوم، تهران: قدیانی، ۱۳۸۰.
- قاسم نیا b، شکوه؛ *خاله ریزه و گنج بزرگ*؛ چ دوم، تهران: قدیانی، ۱۳۸۰.
- قاسم نیا، شکوه؛ *خاله سوسکه و آقا موشه*؛ چ دوم، تهران: قدیانی، ۱۳۷۹.
- قاسم نیا، شکوه؛ *کلاغه به خنده افتاد*؛ تهران: زیتون، ۱۳۸۱.
- کشاوریز a، ناصر؛ *باغ رنگارنگ، آواز تشنگ*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۸.
- کشاوریز b، ناصر؛ *آدم و پروانه، مشهد: آستان قدس رضوی*، ۱۳۷۸.
- کشاوریز، ناصر؛ *پائیز خانم*؛ چ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷.
- کشاوریز a، ناصر؛ *چکه ای آواز، تکه ای مهتاب*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۶.
- کشاوریز c، ناصر؛ *سیب جان سلام*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۸.
- کشاوریز b، ناصر؛ *مرا یک دایناسور، درسته قورت داده*؛ تهران: قدیانی، ۱۳۷۶.
- کیانوش a، محمود؛ *آفتاب خانه ی ما*؛ تهران: توکا، ۱۳۵۸.
- کیانوش b، محمود؛ *بچه های جهان*؛ تهران: توکا، ۱۳۵۸.
- کیانوش، محمود؛ *زبان چیزها*؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۹.

- کیانوش C، محمود؛ طاق هفت رنگ؛ تهران: توکا، ۱۳۵۸.
- کیانوش، محمود؛ طوطی سبز هندی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۶۹.
- مزیانی a، محمدکاظم؛ تنها انار خندید؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۷.
- مزیانی C، محمدکاظم؛ حسنگ کجایی؛ تهران: پیدایش، ۱۳۷۹.
- مزیانی b، محمدکاظم؛ حسنگ و چراغ جادو؛ تهران: پیدایش، ۱۳۷۹.
- مزیانی b، محمدکاظم؛ خدای جیرجیرکها؛ تهران: پیدایش، ۱۳۷۷.
- مزیانی، محمدکاظم؛ شعرهای ناتمام؛ تهران: انتشارات سوره، ۱۳۷۵.
- مزیانی a، محمدکاظم؛ کلاغ های کاغذی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۷۹.
- ملکی، بیوک؛ از هوای صبح؛ چاپ اول، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
- ملکی، بیوک؛ بربال رنگین کمان؛ تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۷۰.
- ملکی، بیوک؛ در پیاده رو؛ چ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
- ملکی، بیوک؛ کوچی دریچه‌ها؛ چ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۸.
- یمینی شریف a، عباس؛ آواز فرشتگان یا اشعار کودکان؛ بی تا، تهران: سازمان کتابهای طلایی.
- یمینی شریف b، عباس؛ آوای نوگلان؛ بی تا، تهران: با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یمینی شریف C، عباس؛ فری به آسمان می‌رود؛ بی تا، تهران: سازمان کتابهای طلایی.
- یمینی شریف، عباس؛ قصه‌های شیرین؛ چ سوم، تهران: سازمان کتابهای طلایی، ۱۳۴۶.



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ